

راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

سارا نظری^۱ دریافت: ۹۸/۵/۳۰

محمد رحیم عیوضی^۲ پذیرش: ۹۸/۷/۱۸

علی مرتضویان^۳

اکبر اشرفی^۴

چکیده

توسعه سیاسی یکی از شاخه‌های اصلی مفهوم کلی‌تر توسعه در مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی است. برداشت از مفهوم توسعه و الگوی آن در هر کشور و ملتی اگر مطابق با هویت ساختاری و بومی آن ملت نباشد قطعاً توسعه سیاسی را با چالش روبه‌رو می‌کند. با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر نظام و ساختارهای کشور، نیاز به بازنگری در مدل‌های غربی مطرح شد و این امر با طرح و تأیید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سوی رهبر انقلاب ادامه یافت. بر این اساس در مقاله فوق با روش توصیفی - تحلیلی، پرسشنامه و روش تحلیل محتوا ابتدا به بیان مبانی نظری و مفهومی تحقیق پرداخته شده و در ادامه با استفاده از روش پرسشنامه و توزیع آن در میان جمعی از نخبگان و اساتید کشور راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌منظور بهبود روند توسعه سیاسی در کشور مطرح شده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که «راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کدامند؟» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مواردی چون توجه به قانون، تغییر الگوی آموزش از سطوح پایه، توسعه فعالیت‌های حزبی و خودشناسی بر پایه

۱. گروه علوم سیاسی، اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Saranazari1393@gmail.com
۲. گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). Ra-eivazi@yahoo.com
۳. گروه علوم سیاسی، اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. a-mortazav@yahoo.com
۴. گروه علوم سیاسی، اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. akbarashrafi552@gmail.com.

مصادیق توسعه سیاسی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که عبارت‌اند از عزت، کرامت، بصیرت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، راهکارهای مطلوبی محسوب می‌شوند که می‌توانند روند توسعه سیاسی را در کشور بهبود بخشند.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، پیشرفت، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، راهکار



توسعه سیاسی، بخشی از فرایند پیچیده توسعه ملی است. این موضوع از جستارهای مهم و پرمناقشه در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی است. معضلات و تنگناهای بازدارنده‌ای که در کشورهای در حال توسعه در جریان شکل‌گیری و راه‌اندازی پروژه توسعه سیاسی بروز کرده و نیز سنجش و ارزیابی‌های نظری ابهام‌آمیز اندیشمندان و نظریه‌پردازان توسعه که از پیچیدگی جوامع و پیچیدگی فرآیند توسعه سیاسی آن‌ها ناشی می‌شود، اهمیت مسئله را هرچه بیشتر روشن می‌سازد. (عبداللهی و راد، ۱۳۸۸: ۳۰)؛ به‌ویژه آنکه توسعه سیاسی، محل تقارن منافع یک گروه یا گروه‌هایی از یک سو و منافع و مصالح عمومی از سوی دیگر است و مشکل‌ترین شکل حرکت به‌طرف عقلایی شدن رفتارها و برخوردهای یک جامعه است (سریع‌القلم، ۱۳۷۱: ۲۹). اگرچه توسعه سیاسی در نیم‌قرن اخیر وارد مباحث توسعه، خصوصاً در دنیای غرب شده است اما عناصر و مؤلفه‌های آن همواره آرمان‌ها و مطالبات عمومی ملت‌ها و برنامه کار دولت‌های دموکراتیک را تشکیل می‌داده است، عناصر و مؤلفه‌هایی چون: آزادی، قانون‌گرایی، وجود و امکان فعالیت نهادهای مدنی، تکررگرایی، ثبات، رقابت و مشارکت سیاسی.

نگاهی کلی به سیر توسعه سیاسی در ایران خصوصاً در ایران پس از انقلاب به‌روشنی بیانگر این مطلب است که متأسفانه ما در طول سه دهه گذشته روند رو به رشدی را در توسعه سیاسی کشور تجربه نکرده‌ایم و همه دولت‌های روی کار آمده پس از انقلاب سیاست‌های خاص خود را در زمینه توسعه سیاسی پی گرفته‌اند. این بدان معنی است که توسعه سیاسی در کشور یک‌روند ثابت و الگوی کارآمد و واحدی را در طی این سال‌ها ادامه نداده است و بر اساس گرایش‌های دولت‌های منتخب در هر زمان ما شاهد قبض و بسط این واژه در کشور بوده‌ایم و بیشتر از آنکه شاهد یک سیر خطی و متداوم باشیم متأسفانه یک‌روند بالا و پایین و زیگزاگی را در این مقوله شاهد هستیم، به باور نویسنده ارائه یک الگوی واحد و بومی به‌منظور بهبود روند توسعه سیاسی در کشور به‌شدت موردنیاز است، الگویی که به‌عنوان یک سند بالادستی پیش روی دولت‌های منتخب قرار گرفته و فارغ از هرگونه سلیقه و جهت‌گیری‌های سیاسی توسط آن‌ها پیگیری و اجرا شود. اتکای پژوهش فوق بر الگوی اسلامی - پیشرفت است که بر اساس دستور رهبری و در طی سال‌های اخیر مورد توجه محافل دانشگاهی، پژوهشی و علمی قرار گرفته است. گرچه هنوز برای دستیابی به این الگو و

راهبردی شدن آن راه طولانی در پیش است؛ اما در این پژوهش در پی آنیم تا با جمع‌آوری نظرات و آراء بخش کوچکی از جامعه علمی کشور و ارائه راهکارهای مطلوب به منظور بهبود روند توسعه سیاسی در کشور گامی هرچند کوتاه به منظور رسیدن به مقصود برداشته شود. برای رسیدن به این منظور از پرسشنامه‌ای استفاده شده که با توزیع در میان جمعی از اساتید، پژوهشگران، نخبگان و دانشجویان و ارزیابی دقیق پاسخ‌ها، راهکارهای موردنظر بیان خواهد شد.

سؤال تحقیق

پرسش این است که راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت چیست؟ بر اساس یافته‌های موجود مواردی چون توجه به قانون، تغییر الگوی آموزش از سطوح پایه، توسعه فعالیت‌های حزبی و خودشناسی بر پایه مصادیق توسعه سیاسی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که عبارت‌اند از عزت، کرامت و بصیرت از مهم‌ترین این راهکارها هستند

مبانی نظری و مفهومی

توسعه سیاسی

مفهوم توسعه سیاسی با وجود اهمیتی که در عرصه علم سیاست دارد؛ اما هنوز ابهام و عدم صراحت زیادی در مورد این دانش‌واژه وجود دارد. دلیل این ابهام را باید در مطالعات فراوانی جستجو کرد که از دیدگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در مورد «رشد»، «نوسازی» و «توسعه» دولت‌های جدید در جهان سوم انجام گرفته است (عالم، ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۲۲). سیکل حرکتی مفهوم توسعه سیاسی به گونه‌ای است که در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ هنگامی که بحث از توسعه به عمل می‌آمد، منظور از توسعه، رشد اقتصادی بود و از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ نیز در چارچوب مطالعه سیاست‌های مقایسه‌ای مورد توجه دانشمندان علوم سیاسی قرار گرفت و مفهوم توسعه سیاسی با مقوله‌هایی مانند «فرهنگ سیاسی» گره خورد. (قوام، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۳).

نخستین بار مفهوم توسعه سیاسی را «لوسین پای» در دهه ۱۹۶۰ مطرح کرد. پای ضمن اینکه تأکید می‌کند که نخستین گام در راه توسعه سیاسی، تکامل یافتن نظام دولت ملی است

(عالم، ۱۳۸۲: ۱۲۴)، افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواست‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می‌پندارد. پای معتقد است که برای تحقق توسعه مطلوب، یک نظام سیاسی باید از یک سلسله بحران‌هایی به صورت موفقیت‌آمیز عبور کند که شامل بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع است (قوام، ۱۳۸۲: ۱۷).

تعریف توسعه سیاسی به تعبیر «گابریل آلموند» و «جیمز کلمن» فرآیندی است که به موجب آن نظام‌های سنتی غیر غربی ویژگی‌های جوامع توسعه‌یافته‌تر را پیدا می‌کنند و این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: درجه بالای شهرگرایی، گسترش سواد، درآمد سرانه بالا، صنعتی شدن اقتصاد و به‌طور کلی مشارکت گسترده اعضای جامعه در فعالیت‌های سیاسی و غیرسیاسی. «کارل دویچ» معیار توسعه سیاسی را میزان تحرک اجتماعی می‌داند. از نظر دویچ تحرک اجتماعی فرآیندی است که به موجب آن اعتقادات و وابستگی‌های سنتی در زمینه‌های سیاسی، روانی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دچار دگرگونی شده و توده مردم را برای قبول الگوهای رفتاری جدید آماده می‌کند. هانتینگتون و نلسون نیز مشارکت سیاسی را یکی از پارامترهای اصلی توسعه سیاسی می‌دانند (قوام، ۱۳۸۲: ۱۹-۱۵).

با توجه به نظریات ارائه‌شده در مورد توسعه سیاسی می‌توان تعریفی کلی از توسعه سیاسی ارائه داد: «توسعه سیاسی بخشی از فرایند پیچیده توسعه ملی است که زمینه‌ها و شرایط لازم را برای راه‌اندازی نهادینه کردن امر مشارکت و رقابت سیاسی درون جامعه را فراهم می‌کند که حاصل نهایی آن افزایش توانمندی نظام سیاسی است.» (عبداللهی‌وراد، ۱۳۸۸: ۳۲).

در میان جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران نیز اساتید و محققان زیادی مقوله توسعه سیاسی را مورد توجه قرار داده‌اند. مروری بر ادبیات توسعه سیاسی ایران نشان می‌دهد که بخش اعظم مطالعات تجربی صورت گرفته توسط پژوهندگان ایرانی و غیر ایرانی، عموماً، پیرامون مقوله عام توسعه و توسعه‌یافتگی ایران است و فقط بخشی از این کارها مشخصاً به مقوله خاص توسعه سیاسی ایران پرداخته‌اند؛ اما از آنجاکه توسعه سیاسی، وجهی از وجوه چندگانه توسعه ملی است، از این رو، مجموعه این نوع مطالعات، به نحو مستقیم یا غیرمستقیم به امر توسعه سیاسی ایران نیز ربط می‌یابند و آن را پوشش می‌دهند.

درواقع می‌توان گفت: مفهوم توسعه سیاسی مدت‌ها غایب بود و اولین بار در دوره اصلاحات به‌طور گسترده وارد عرصه عمومی شد و از همین زمان بود که آسیب‌شناسی و نقد مباحث توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایرانی اهمیت یافت و در سال‌های اخیر به یکی از دغدغه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد (شفیعی فر، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

از جمله کسانی که در خصوص توسعه و توسعه سیاسی ایران کوشیده و تحقیقاتی را به ثمر رسانده‌اند، می‌توان به نام‌هایی چون سوداگر (۱۳۵۷)، اشرف (۱۳۵۹ و ۱۹۷۰)، آبراهامیان (۱۳۷۹)، کدی (۱۳۶۹)، امیر احمدی (۱۳۸۱)، میلانی (۱۳۸۱)، بشیریه (۱۳۸۰)، کاتوزیان (۱۳۷۲)، فوران (۱۳۷۸)، اسکاچپول (۱۹۹۴)، کمالی (۱۳۸۱)، ارجمند (۱۹۹۵)، عظیمی (۱۳۷۲)، حاجی یوسفی (۱۳۷۸) و دیگران، سریع‌القلم و سیف‌زاده اشاره کرد.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پیشرفت در همه عرصه‌های آن مستلزم داشتن الگویی مناسب است. الگویی که با مبانی فکری و فلسفی (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی) نظام تناسب داشته و سازگار باشد. الگویی که برآمده از نیازهای موجود کشور در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده و در عین توجه به شرایط محیطی کشور (توجه به واقعیات)، بر گرفته از ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی (توجه به آرمان‌ها) نیز باشد. استخراج و طراحی چنین الگویی، در همه ابعاد آن خود تابعی از دانش در آن حوزه‌ها است (خسرو پناه و بانسی، ۱۳۹۲: ۳۱۴).

طراحی و تدوین الگویی برای پیشرفت بر اساس مبانی بینشی و ارزشی اسلامی و همچنین مطابق با شرایط زمانی و مکانی کشور با عنوان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چند سالی است که به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی از سوی دلسوزان نظام مطرح شده است. اینکه کدام الگو می‌تواند در وضعیت توسعه سیاسی ایران موفقیت‌آمیز باشد سؤال همیشگی اندیشمندان ایرانی بوده است. گذشته از این، ظرفیت نخبگان، توان کارشناسی و قدرت برنامه‌ریزی سرمایه انسانی کشور بسیار غنی بوده و نیاز کشور به الگوی پیشرفت از یک طرف و ظرفیت‌های موجود کشور به لحاظ توان طراحی و تدوین الگو از طرفی دیگر، این امکان را برای نظام برنامه‌ریزی کشور فراهم ساخته است تا بتواند در مسیر طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان یک ضرورت اساسی و حتی حیاتی گام بردارد.

امام خمینی در این باره می‌فرماید: «بشریت امروز، تشنه‌تر از همیشه تاریخ، در انتظار الگویی از توسعه و پیشرفت است که بتواند واقعاً پاسخگوی هندسه نیازهای صادق انسان باشد. ما معتقدیم تنها مکتبی که می‌تواند جامعه را هدایت کند و پیش‌برد اسلام است؛ و دنیا اگر بخواهد از زیر بار هزاران مشکلی که امروز با آن دست‌به‌گریبان است نجات پیدا کند و انسانی زندگی کند و انسان گونه، باید به اسلام روی بیاورد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۴۳۷).

در سال ۱۳۸۵، رهبر معظم انقلاب نیز طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را به‌عنوان یک ضرورت برای کشور مطرح می‌فرماید. در همین رابطه ایشان می‌فرماید: «این الگو باید تدوین شود، باید روشن شود، باید ابعاد و زوایایش مشخص شود؛ این کار به‌طور کامل انجام نگرفته است و باید بشود. وقتی می‌گوییم الگوی ایرانی اسلامی، یعنی یک نقشه جامع. بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد، همچنان که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگی مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را هم در زمینه فرهنگ، هم در زمینه اقتصاد و سیاست انجام دادیم این به خاطر این است که یک نقشه جامع وجود نداشته است.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰).

الگوی پیشرفت یعنی روش، طرح و آرمانی که ما را به جامعه مطلوب برساند. آرمان‌هایی که با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در چهار عرصه تفکر، علم، معنویت و زندگی ظهور پیدا می‌کند (ایزدی فرد و حسین نژاد، ۱۳۹۶: ۸۸).

به‌منظور درک بهتر مفهوم «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» بررسی ابعاد چهارگانه این اصطلاح ضروری به نظر می‌رسد، این اصطلاح ترکیبی از چهار واژه اساسی: الگو، اسلامی، ایرانی و پیشرفت است.

یک مدل یا الگو، معرفی یا تشریح است که برای نشان هدف اصلی یا کارکردی یک موضوع سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است. مدل‌ها می‌توانند دو نوع کارکرد توضیحی را که اساساً متفاوت‌اند انجام دهند: از یک‌سو یک مدل می‌تواند توضیحی از یک بخش انتخاب‌شده از جهان باشد و بسته به طبیعت هدف، این‌گونه مدل‌ها، یا مدل‌های پدیده‌ها هستند یا مدل‌های داده‌ها. از سوی دیگر یک مدل می‌تواند یک نظریه را توضیح دهد، از این جهت که قوانین و اصول موضوعه آن را تفسیر کند. این دو مانع‌الجمع نیستند؛ زیرا مدل‌های علمی

می‌توانند هر دو کارکرد را در یک‌زمان داشته باشند. بدیهی است این مفهوم از الگو یا مدل نمی‌تواند در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مقصود باشد؛ زیرا این الگو برای توصیف و تبیین وضع موجود در ایران نیست بلکه برای تغییر و اصلاح آن است. آنچه تناسب بیشتری با الگوی پیشرفت دارد، مدل‌های نظریه‌ای است زیرا ما نیز درصدد تبیین یک نظریه هستیم با این تفاوت که نظریه اسلامی- ایرانی پیشرفت به تبیین یک واقعیت یا پدیده و سیستم خارجی نمی‌پردازد، بلکه اهداف و راهبردهای پیشرفت بر اساس احکام و آموزه‌های اسلامی و مطابق با شرایط ایران را تبیین می‌کند.

از دیگر مفاهیم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توجه به دو مفهوم اسلامی و ایرانی است. اسلامیت الگوی پیشرفت درگرو تأملی در مبانی این الگوست. بزرگ‌ترین چالش‌های توسعه در مدل غربی عدم توجه به مفاهیم معنوی است. توسعه غربی کمیت‌گراست و رسالت او اصلاح و بهبود وضعیت مادی انسان‌هاست، درحالی‌که مفاهیم معنوی در الگوی اسلامی پیشرفت بسیار تعیین‌کننده هستند. (علاسوند، ۱۳۸۹: ۵۹). اسلامی بودن الگو ناظر به مبانی اندیشه، اهداف واسطه‌ای و نهایی، ارزش‌ها و روش‌ها بوده که از اسلام مایه می‌گیرند (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۲) یعنی شاخص‌ها باید برخاسته از مفاهیم اسلامی باشند که این مفاهیم، وابسته به شرایط، زمان و مکان نیستند (هادوی تهرانی، ۱۳۹۰: ۹).

قید ایرانی بودن ناظر به این است که باید درزمینه پیشرفت، شرایط، زمان و مکان را در نظر گرفت. به‌عبارت‌دیگر، اسلام خود کامل است ولی از آنجایی که در مقطع معینی این الگو اجرا می‌شود، باید ویژگی‌های زمانی، مکانی و ظرف تحقق آن به‌دقت لحاظ شود (هادوی تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۳)؛ بنابراین اگر اسلامی بودن، جامعیت الگوست، ایرانی بودن، واقعیت آن را تأمین می‌کند؛ یعنی در کنار هم بودن این دو قید، رمز موفقیت الگو را تضمین خواهد نمود. چراکه در این الگو، اسلامی بودن «روح» و ایرانی بودن «جسم» پیشرفت را تشکیل می‌دهد (عرب ۱۳۹۰: ۱۹۵).

پیشرفت به‌عنوان آخرین مفهوم موردتوجه در الگوی اسلامی ایرانی عبارت است از فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب که مشتمل بر سه امر است: تحلیل وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب و راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب (میرمعزی، ۱۳۹۲: ۲۸).

بر اساس آموزه‌های اسلامی، پیشرفت تنها جنبه‌های مادی را در بر نمی‌گیرد بلکه جنبه‌های معنوی رشد و تعالی انسانی را نیز مورد اشاره قرار می‌دهد. به عبارت دیگر اصطلاح پیشرفت، سعادت بشری را هم در قسمت مادی و هم در بخش معنوی در بردارد (امیدی، ۱۳۹۰: ۱۸۶). پس اگر رسیدن به اهداف متعالی را که از خلقت انسان مدنظر بوده است، هدف توسعه در اسلام تلقی نماییم، بدون شک رسیدن به این اهداف مستلزم در دست داشتن ابزارهای مادی و معنوی است (رضایی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). بر این اساس الگوی پیشرفت باید مقید به قید اسلامی باشد. قید ایرانی نیز در ترکیب الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، ناظر به در نظر گرفتن شرایط بومی، در زمینه پیشرفت است. همچنین ناظر به آن است که طراحی الگو توسط متفکران ایرانی و با توجه به مصالح و منافع کشور انجام شود (حصیرچی و نیاوند، ۱۳۹۰: ۷۴).

۳. توسعه سیاسی بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در بررسی الگوهای توسعه سیاسی، اگر اختلافات بین الگوها و نظریه‌پردازان ذیل آن‌ها را کنار بگذاریم می‌بینیم که هدف نهایی در تمام این الگوها سعادت اجتماعی این دنیایی به معنای بیشترین رضایتمندی و لذت حسی برای بیشترین افراد جامعه است به این معنی که تمام اهداف غایی و میانی و شاخص‌های خود را در باب توسعه سیاسی ذیل بنیادهای نظری انسان محورانه، اعتبار می‌کنند. در این الگوها حتی اگر گامی به سوی دموکراسی و مشارکت مردم برداشته می‌شود نیز ذیل تحقق لذات دنیوی بیشتر و رفاه مادی بیشتر است؛ اما در اسلام؛ هدف اصلی توسعه سیاسی، رسیدن به سعادت و قرب الهی است که ابزار آن مادیات است. از دیدگاه امام نیز، هدف غایی توسعه سیاسی، ایجاد شرایط مناسب برای عروج انسان و فراهم آوردن محیط انسان‌سازی و تقرب به خدا و سیر الی الله است (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۴). توسعه سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مدلی بومی از توسعه سیاسی است که می‌کوشد توجه دقیقی به مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ایران داشته باشد. از آنجاکه شاخص‌ها و مؤلفه‌های توسعه در ارتباط با جوامع غربی طراحی و تدوین شده‌اند و در عمل متناسب و سازگار با برخی کشورها از جمله ایران نیستند، ضرورت بازنگری در ویژگی‌ها و شاخص‌های توسعه از جمله توسعه سیاسی باید مدنظر این الگو باشد. با علم به اینکه در برخی شاخص‌ها و ویژگی‌های توسعه سیاسی در مقایسه با الگوهای غربی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، می‌توان شباهت‌ها و قرینه‌هایی را شناسایی کرد؛ اما تفاوت‌ها، تمایزها و

تعارض‌ها، آشکار به نظر می‌رسد؛ از این رو می‌توان در کم و کیف آن‌ها تردید کرده و بعضی را پذیرفت و برخی را رد یا دست‌کاری کرد (عابدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۲۴۳).

از این رو؛ به دلیل تفاوت موجود در هدف غایی توسعه سیاسی در دیدگاه غربی و اسلامی، در این بخش از پژوهش به بررسی مصادیق توسعه سیاسی در قالب الگوی اسلامی-ایرانی در سه مفهوم مشارکت، آزادی و مشروعیت به‌عنوان سه مفهومی که از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی محسوب می‌شوند، پرداخته خواهد شد.

• مشروعیت

مشروعیت در لغت عبارت است از مشروع، یعنی آنچه موافق شرع باشد، چیزی که طبق شرع جایز باشد. مشروعه مؤنث مشروع، یعنی حکومت مشروعه، حکومتی که منطبق بر قوانین شرع اسلام باشد (معین، ۱۳۸۱: ۴۱۴۴).

در اصطلاح نیز مشروعیت در حد واسط شکل‌گیری پیوند و نسبت میان حکومت و جامعه یا حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان آشکار می‌شود. در واقع، نخستین جایی که حکومت، وجود خود را آشکار می‌سازد، زمانی است که می‌خواهد خودش را اعمال کند و امرش را به اجرا درآورد؛ یعنی از آنجاکه حقیقت حکومت در «اعمال حکم حکمرانان» آشکار می‌شود، درست در همین زمان، مسئله مشروعیت حکومت نیز مطرح خواهد شد.

میان معنای مشروعیت در اصطلاح علم سیاست و معنای مصطلح شرعی به معنای حکم دین جدایی وجود دارد و آنچه از "Legitimacy" فهمیده می‌شود، با معادل‌هایی همچون مقبولیت و قانونیت، بیشتر هماهنگ است تا مشروعیت و شرعیت. این در حالی است که واژه مشروعیت نزد متشرعه و علمای دین، تنها در معنای مطابقت با شرع و احکام آن معنا می‌دهد (مرندی، ۱۳۷۶: ۳۲).

مشروعیت موردنظر اسلام، ناشی از الهی بودن آن تعریف می‌شود و مکانیزم تحقق مشروعیت الهی دولت اسلامی در عصر حاضر (دوره غیبت) از طریق حضور عالم دینی عادل واجد شرایط در رأس قدرت و اداره جامعه بر اساس قوانین و آموزه‌های اسلامی صورت می‌پذیرد ضمن اینکه از تعالیم دین اسلام این مطلب نیز استخراج می‌شود که تأکید اسلام بر مشروعیت الهی نظام سیاسی به معنای غفلت از نقش و جایگاه مردم در این زمینه نیست بلکه

اسلام نیز پذیرش و همراهی مردم را شرط تحقق نظام سیاسی و اقتدار آن می‌داند؛ به عبارت دیگر اسلام در این زمینه مشروعیت الهی را شرط لازم می‌داند؛ اما کافی نمی‌داند؛ یعنی علاوه بر اینکه مشروعیت الهی را شرط تحقق و اقتدار نظام سیاسی اسلام برشمرده بر ضرورت پذیرش و همراهی مردمی نیز به عنوان عنصر لازم در این زمینه تأکید کرده و مشروعیت الهی و مردمی را توأمان شرط و رکن استقرار و اقتدار نظام سیاسی دانسته است (لاریجانی و ابرستان، ۱۳۹۰: ۶۴).

در شاخص مشروعیت می‌توان با توجه به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از این مصادیق نام برد:

- مسئولیت حکومت در قبال مردم؛
- حق حکمرانی؛
- حکومت‌پذیری؛
- اصل خدمتگزاری؛
- مردم‌سالاری دینی؛
- اقتدار همه‌جانبه؛
- پاسخگویی؛
- شفافیت؛
- نگاه ابزاری به قدرت باهدف تأمین سعادت انسان؛
- قانون‌مداری؛
- کارایی و اثربخشی.



شکل (۱) نمودار مصادیق مشروعیت در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

مشارکت

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (نیازی، ۱۳۸۳: ۱۱۲) در اسلام مشارکت سیاسی یکی از ویژگی‌های جامعه پیشرفته اسلامی به شمار می‌رود. می‌توان شاخص‌های آن را در الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه بینش، ساختار و رفتار نشان داد. در حوزه بینش دین نگاه ابزاری به قدرت دارد و حکومت امانت الهی تلقی می‌گردد. تبعیت از حاکم و مشارکت در امر سیاسی نیز به‌عنوان یک تکلیف دینی نگریسته می‌شود. ساختار نظام سیاسی اسلام به‌گونه‌ای مشارکت جویانه سازماندهی می‌گردد و نهادهای چون؛ بیعت، مشورت و جهاد برای سازماندهی امر سیاسی در نظر گرفته شده است. در حوزه رفتار، شهروندان جامعه اسلامی با حاکم مشروع بیعت نموده و از او اطاعت می‌کنند. همچنین در امور سیاسی، با بصیرت مشارکت می‌کنند. در این جامعه مردم و دولت می‌کوشند تا حکومت صالح را با خیرخواهی و اتحاد محافظت نمایند (خلوصی، ۱۳۹۱: ۴۸-۵۱).

بر این اساس می‌توان مصادیق مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه بینش را در موارد ذیل مشاهده کرد:

- مسئولیت‌پذیری در برابر حکومت

- صلاح متقابل
 - بصیرت: بصیرت، با توجه به متون روایی، می‌تواند دارای سه نماگر: شناخت حق، دشمن‌شناسی و موقعیت‌شناسی باشد.
 - بیعت
 - مشورت
- مؤلفه‌های مشارکت سیاسی در حوزه رفتار، عبارت از قواعد رفتاری است که شهروندان جامعه اسلامی در مقام عمل آن را به کار می‌گیرند.
- اطاعت از نظام سیاسی
 - پاسخگویی



شکل (۲) نمودار مصادیق مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

آزادی

شاخص سوم موردنظر در این پژوهش آزادی است که دارای مصادیقی متفاوت از آزادی در مفهوم غربی آن است، آزادی مفهومی گسترده به وسعت تمامی ادیان و فرهنگ‌ها دارد. آزادی مفهومی جهانی است و هر ملت، فرهنگ و آیینی نه تنها در حال حاضر بلکه در طول تاریخ، نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به آن داشته است.

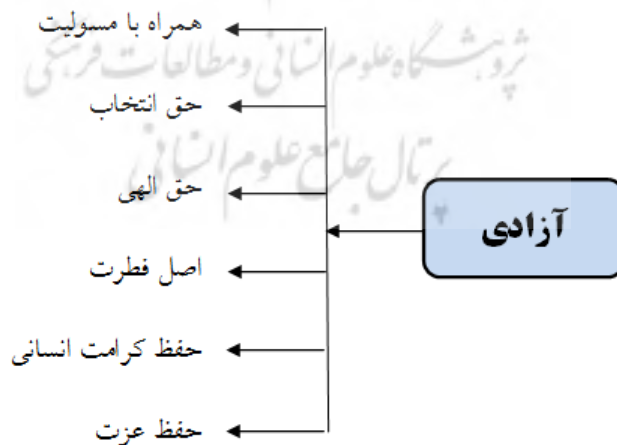
در اسلام اساس و ریشه آزادی در جهان‌بینی توحیدی است. خداوند در قرآن آزادی را در راستای آزمون انسان‌ها بیان کرده و آن را بسی ارزشمند می‌داند (خرم روز، ۱۳۹۱: ۵۲).

آزادی سیاسی به‌عنوان یکی از انواع آزادی، از جمله مفاهیمی است که در مقام تبیین، از تعاریف مختلفی برخوردار است که هر یک از تعاریف، معمولاً ناظر به برخی از مصادیق این نوع آزادی است. این نوع آزادی به نقش مردم، در زندگی سیاسی اشاره دارد و مقصود از آن، انواع آزادی‌هایی است که فرد در حیطه اجتماع، در برابر حکومت دارا است. (اسحاقی، ۱۳۸۴: ۱۷۶)

دیدگاه مکتب اسلام در زمینه آزادی سیاسی با دیگر مکاتب حقوقی تفاوت‌هایی دارد. در این نظام، برای پیش‌گیری از استبداد و خودمحموری، صفات اخلاقی و نفسانی مهمی به‌عنوان شرایط لازم برای رهبر دینی و رجال حکومتی مقرر شده که برای پیامبر و امام از راه عصمت و برای دیگران از طریق عدالت، تقوا و پارسایی تأمین می‌شود.

مبانی آزادی سیاسی در نظام اسلامی را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- ستم‌زدایی و استکبارستیزی
- آزادی همراه با مسئولیت و حق انتخاب
- اصل فطرت
- حق الهی
- حفظ عزت و کرامت انسان



شکل (۳) نمودار مصادیق آزادی سیاسی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

میزان پیشرفت و تحقق توسعه سیاسی در هر نظام، بر اساس سنجش میزان تحقق اهداف آن امکان پذیر است. در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز؛ میزان موفقیت الگو و کارایی آن بستگی به میزان کاربرد مصادیق فوق دارد. هراندازه که جامعه بتواند از این شاخص‌ها در عرصه سیاسی و اجتماعی بیشتر استفاده نماید، میزان توسعه سیاسی نیز تغییر خواهد کرد و مسیر توسعه را بهتر و مطلوب‌تر طی خواهد نمود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توسعه‌ای - کاربردی است. رویکرد پژوهش توصیفی و تحلیلی و روش تحقیق تلفیقی (کیفی - کمی) است که ترکیبی از تحلیل محتوای کیفی و تفسیری در بخش کیفی و روش پرسشنامه در بخش کمی است. برای تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. روش قیاسی برای تحلیل محتوای پاسخ‌های ارائه شده به پرسش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در ادامه داده‌های کیفی که با روش تحلیل محتوا، تحلیل شدند با تعریف شاخص هماهنگی کمی شدند و در نهایت، تحلیل آماری هم در خصوص آن‌ها انجام شد. در بخش کمی، فراوانی به معنای تعداد ارجاعات هر مفهوم است. به این معنی که چند نفر از افراد مورد مطالعه (۷۲ نفر) به مفهوم مورد نظر اشاره نموده‌اند. درصد میزان فراوانی هر مفهوم تقسیم بر تعداد کل افراد مورد مطالعه (۷۲ نفر) است که برای اولویت‌بندی مفاهیم مورد نظر استفاده می‌شود. بدین صورت که هرچه مقدار عددی درصد یک مفهوم بیشتر باشد بدین معنی است که افراد بیشتر به آن اشاره نموده‌اند و از اهمیت بالاتری برخوردار است.

جامعه و نمونه آماری

روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر غیر تصادفی بوده و از نوع هدفمند است. جامعه آماری این تحقیق عبارت بود از اساتید، پژوهشگران و دانشجویان مقطع دکتری و کارشناسی ارشد. حدود ۳۶ درصد از افراد نمونه دارای مدرک تحصیلی دکترا و ۴۶ درصد از آنان نیز دانشجویان مقطع دکتری و ۱۸ درصد آن‌ها دارای مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس بوده‌اند. همچنین ۶۵ درصد از آنان مرد و بقیه را زنان تشکیل می‌دادند. رشته تحصیلی اعضای نمونه نیز به‌طور اختصاصی علوم سیاسی و شاخه‌های مرتبط با آن مانند جامعه‌شناسی سیاسی،

اندیشه سیاسی و مطالعات ایران است. در کل ۱۰۰ پرسشنامه توزیع شد که از این موارد ۷۲ پرسشنامه تکمیل شد؛ بنابراین درصد پاسخ در این مطالعه برابر با ۷۲ درصد است.

جدول (۱) تعداد شرکت کنندگان در آزمون

شماره	دانشگاه - موسسه	تعداد
۱	مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	۱۴
۲	دانشگاه رازی کرمانشاه	۲۳
۳	دانشگاه علوم تحقیقات اصفهان	۱۴
۴	بین المللی امام خمینی قزوین	۱۳
۵	حوزه علمیه کرمانشاه	۸

روایی پرسشنامه

پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش شامل سؤالاتی است که بر اساس موضوع پژوهش و اهدافی که در این رساله به دنبال آن بوده ایم به صورت تشریحی مطرح شده است. روایی پرسشنامه این تحقیق از طریق اعتبار صوری انجام شده است. بدین ترتیب که برای تهیه پرسشنامه ابتدا چارچوب پرسشنامه بر اساس اهداف پژوهش و متن پایان نامه تهیه گردید و در مرحله بعدی در معرض ارزشیابی چند تن از صاحب نظران قرار گرفت و پس از اعمال نظر اساتید و خبرگان پرسشنامه نهایی تهیه گردید که سؤالات آن به این شرح است:

۱. از دیدگاه شما مهم ترین چالش های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب کدامند؟
۲. پیشنهاد شما برای عبور موفق از چالش های توسعه سیاسی در ایران چیست؟
۳. آیا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می تواند به تولید روندهای توسعه در ایران اهتمام ورزد؟
۴. آیا شما ارائه یک الگوی بومی برای توسعه سیاسی در ایران را ضروری می دانید؟ به چه دلیل؟

۵. شما تا چه میزان اقتباس از الگوهای غربی را برای توسعه سیاسی کشور ضروری می‌دانید؟
 ۶. با توجه به الگوی اسلامی ایران پیشرفت راهکارهای پیشنهادی شما برای افزایش مشروعیت سیاسی در ایران چیست؟
 ۷. چگونه می‌توان میزان مشارکت سیاسی مردم را در کشور افزایش داد؟
 ۸. توسعه آزادی‌های سیاسی چگونه می‌تواند روند توسعه سیاسی در کشور را بهبود بخشد؟
 ۹. عملکرد کدام دوره از دولت‌های پس از انقلاب در زمینه توسعه سیاسی کشور موفق‌تر بود و چرا؟
 ۱۰. روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در آینده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- پس از جمع‌آوری و مطالعه پاسخ‌های ارائه‌شده، در ابتدا برای تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل محتوا استفاده شد. در ادامه داده‌های کیفی که با روش تحلیل محتوا، تحلیل شدند با تعریف شاخص هماهنگی کمی شدند و در نهایت، تحلیل آماری هم در خصوص آن‌ها انجام شد. لازم به ذکر است که پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده با توجه به اینکه در پاسخ برخی سؤالات همپوشانی وجود داشت با کسب راهنمایی و مشورت از خبرگان و صاحب‌نظرانی که در تهیه پرسشنامه ما را یاری نمودند تصمیم بر این شد که پاسخ برخی سؤالات در هم ادغام‌شده و ارائه شود. بر همین اساس سؤالات در پنج محور اصلی که در ادامه بیان می‌شود دسته‌بندی شد. در پایان هر بخش از پاسخ‌های ارائه‌شده نیز از دو جدول و نمودار استفاده‌شده است که بر اساس تحلیل آماری و کمی شده داده‌های کیفی ارائه می‌گردد.

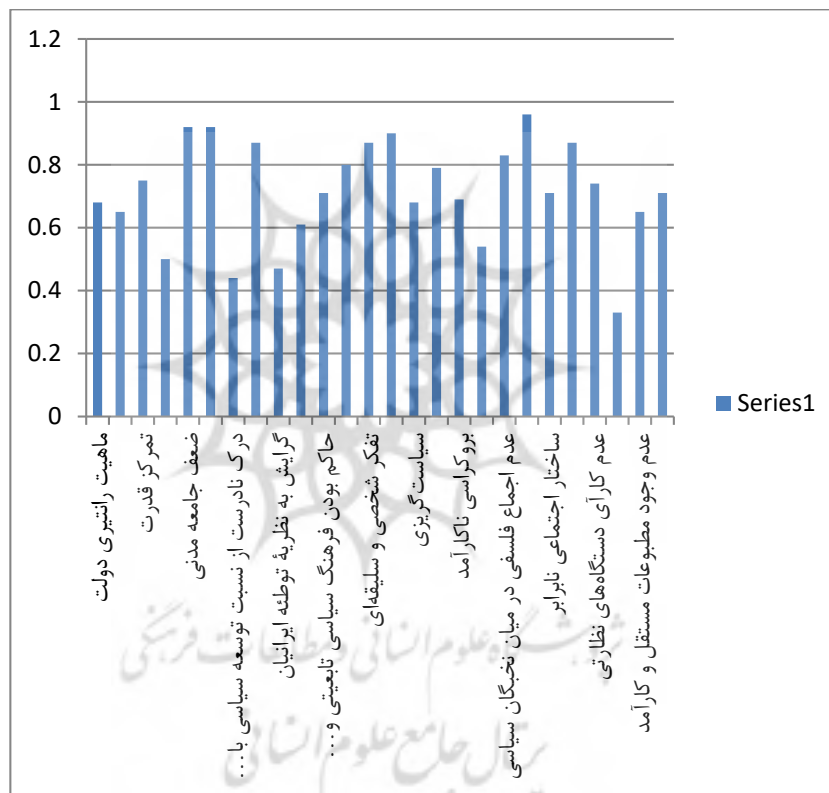
۱-۲. مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب از دیدگاه شما کدام‌اند؟

نتایج حاصل از پژوهش در خصوص دیدگاه افراد مورد مطالعه در زمینه مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی در جدول ۲ و نمودار ۱ آمده است.

جدول (۲) مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی

اولویت	درصد	فراوانی	چالش‌ها
۱	۰/۹۸	۶۹	قانون‌گریزی
۲	۰/۹۲	۶۶	ضعف جامعه مدنی
۲	۰/۹۲	۶۶	نبود نظام حزبی کارآمد
۳	۰/۹۰	۶۵	بی‌اعتمادی سیاسی
۴	۰/۸۷	۶۳	قانون پذیر نبودن مسئولان و نهادهای حکومتی
۴	۰/۸۷	۶۳	تفکر شخصی و سلیقه‌ای
۵	۰/۸۳	۶۰	عدم اجماع فلسفی در میان نخبگان سیاسی
۶	۰/۸۰	۵۸	نبود آزادی‌های سیاسی
۷	۰/۷۹	۵۷	فرهنگ خویشاوند سالاری و ارتباطات غیررسمی
۸	۰/۷۵	۵۴	تمرکز قدرت
۹	۰/۷۴	۵۳	عدم کارایی دستگاه‌های نظارتی
۱۰	۰/۷۱	۵۱	حاکم بودن فرهنگ سیاسی تابعیتی و منازعه گر میان نخبگان
۱۰	۰/۷۱	۵۱	نبود الگوی واحد و بومی برای توسعه
۱۰	۰/۷۱	۵۱	ساختار اجتماعی نابرابر
۱۱	۰/۶۹	۵۰	بروکراسی ناکارآمد
۱۲	۰/۶۸	۴۹	سیاست‌گریزی
۱۳	۰/۶۵	۴۷	عدم وجود مطبوعات مستقل و کارآمد
۱۴	۰/۶۱	۴۴	حاکمیت فرهنگ قبیله‌ای در فرهنگ سیاسی ایران

۱۵	۰/۵۴	۳۹	عدم مشروعیت
۱۶	۰/۵۰	۳۶	ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه حاکم
۱۷	۰/۴۷	۳۴	گرایش به نظریه توطئه در فرهنگ ایرانیان
۱۸	۰/۴۴	۳۲	درک نادرست از نسبت توسعه سیاسی با سیاست مدرن
۱۹	۰/۳۳	۲۴	خشونت سیاسی



نمودار (۱) نمودار میله‌ای مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی

بر اساس نتایج ارائه‌شده در جدول شماره ۲ و نمودار ۱ مشاهده می‌شود که از دیدگاه افراد مورد مطالعه مواردی نظیر قانون‌گریزی، ضعف جامعه مدنی، نبود نظام حزبی کارآمد و بی‌اعتمادی سیاسی مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بودند.

این در حالی است که از دیدگاه افراد مورد مطالعه مواردی نظیر خشونت سیاسی، درک نادرست از نسبت توسعه سیاسی با سیاست مدرن، گرایش به نظریه توطئه ایرانیان و ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه حاکم از کم‌اهمیت‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بودند.

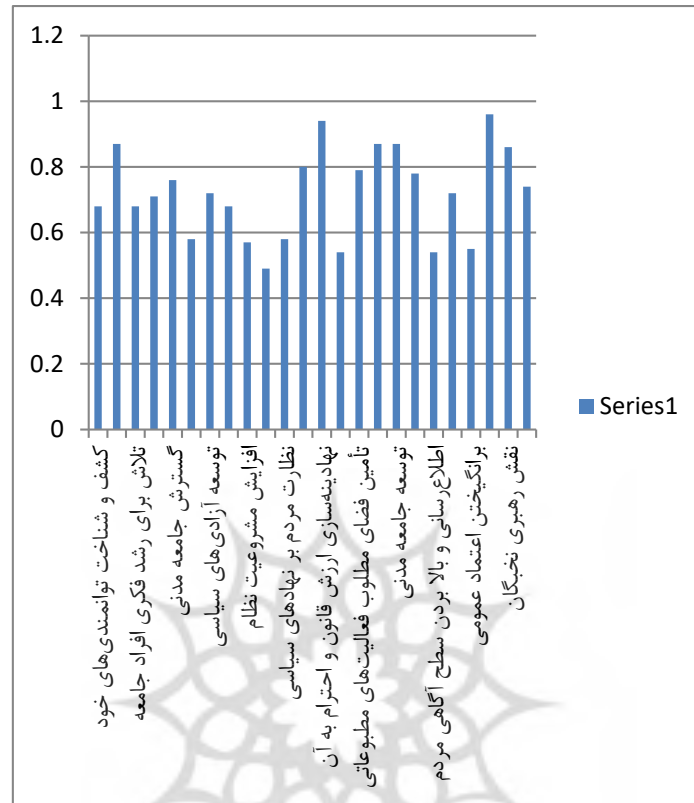
۲-۲ پیشنهاد شما برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران چیست؟

یافته‌های پژوهش در خصوص راهکارهای لازم برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی از دیدگاه افراد مورد مطالعه در جدول ۳ و نمودار ۲ ارائه شده‌اند.

جدول (۳) راهکارهای لازم برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران

اولویت	درصد	فراوانی	چالش‌ها
۱	۰/۹۶	۶۹	گسترش فعالیت احزاب سیاسی
۲	۰/۹۴	۶۸	نهادینه‌سازی ارزش قانون و احترام به آن
۳	۰/۸۷	۶۳	تغییر الگوی آموزش
۳	۰/۸۷	۶۳	غیرمتمرکز بودن قدرت
۳	۰/۸۷	۶۳	توسعه جامعه مدنی
۴	۰/۸۶	۶۲	نقش رهبری نخبگان
۵	۰/۸۰	۵۸	قانونمند بودن جامعه
۶	۰/۷۹	۵۷	تأمین فضای مطلوب فعالیت‌های مطبوعاتی
۷	۰/۷۸	۵۶	افزایش مشارکت سیاسی
۸	۰/۷۶	۵۵	گسترش جامعه مدنی
۹	۰/۷۴	۵۳	گسترش فرهنگ تسامح و تساهل
۱۰	۰/۷۲	۵۲	فرهنگ‌سازی

اولویت	درصد	فراوانی	چالش‌ها
۱۰	۰/۷۲	۵۲	توسعه آزادی‌های سیاسی
۱۱	۰/۷۱	۵۱	ارائه الگوی توسعه بومی
۱۲	۰/۶۸	۴۹	تلاش برای رشد فکری افراد جامعه
۱۳	۰/۵۸	۴۲	حل چندپارگی‌های اجتماعی
۱۳	۰/۵۸	۴۲	نظارت مردم بر نهادهای سیاسی
۱۴	۰/۵۷	۴۱	افزایش مشروعیت نظام
۱۵	۰/۵۵	۴۰	برانگیختن اعتماد عمومی
۱۶	۰/۵۴	۳۹	اطلاع‌رسانی و بالا بردن سطح آگاهی مردم
۱۶	۰/۵۴	۳۹	اصلاح دولت رانتیر
۱۷	۰/۴۹	۳۵	آزادی قلم



نمودار (۲) نمودار میله‌ای راهکارهای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران

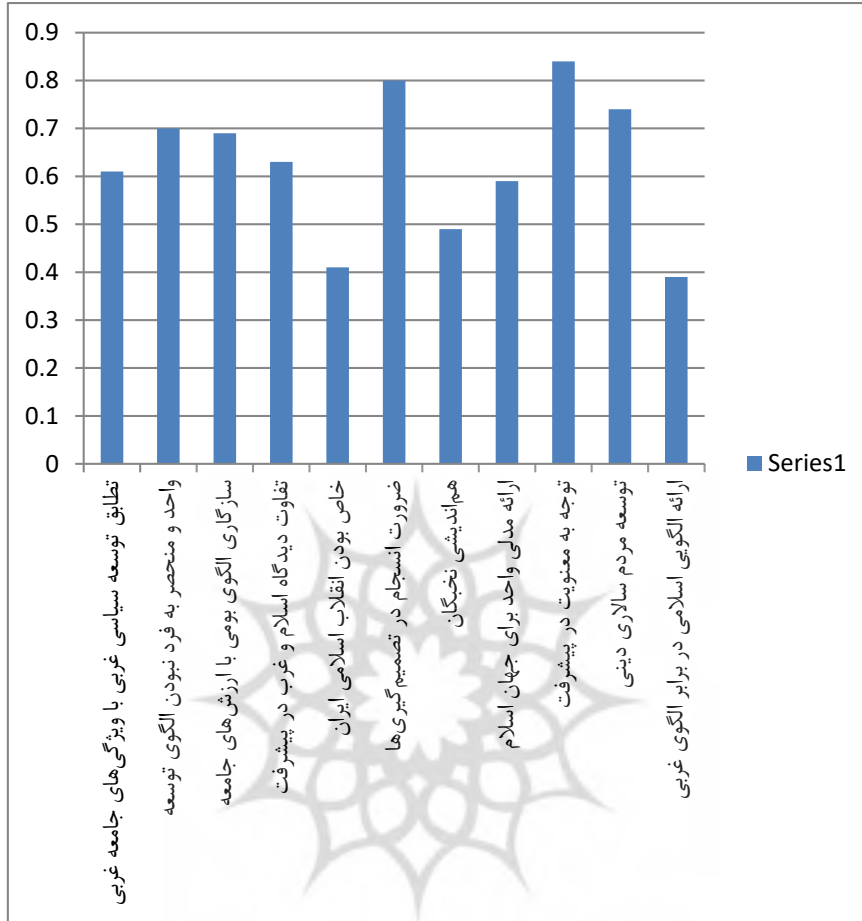
بر اساس نتایج ارائه‌شده در جدول ۳ و نمودار ۲ مشاهده می‌شود که از دیدگاه افراد مورد مطالعه مهم‌ترین راهکارهای لازم برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران مواردی نظیر گسترش فعالیت احزاب سیاسی، نهادینه‌سازی ارزش قانون و احترام به آن، توسعه جامعه مدنی، غیرمتمرکز بودن قدرت، تغییر الگوی آموزش و نقش رهبری نخبگان بودند. این در حالی است که از دیدگاه افراد مورد مطالعه کم‌اهمیت‌ترین راهکارهای لازم برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران مواردی نظیر آزادی قلم، اصلاح دولت رانتیر، برانگیختن اعتماد، اطلاع‌رسانی و بالا بردن سطح آگاهی مردم، افزایش مشروعیت نظام و حل چندپارگی‌های اجتماعی ایران بودند.

۲-۳ آیا شما ارائه یک الگوی بومی برای توسعه سیاسی در ایران را ضروری می‌دانید؟ دلایل شما چیست؟

در جدول ۴ و نمودار ۳ دلایل موافقت افراد مورد مطالعه با به‌کارگیری الگوهای بومی برای توسعه سیاسی در کشور ارائه شده‌اند.

جدول (۴) دلایل موافقان الگوهای بومی برای توسعه سیاسی در ایران

اولویت	درصد	فراوانی	دلایل موافقان الگوهای بومی
۱	۰/۸۴	۴۳	توجه به معنویت در پیشرفت
۲	۰/۸۰	۴۱	ضرورت انسجام در تصمیم‌گیری‌ها
۳	۰/۷۴	۳۸	توسعه مردم‌سالاری دینی
۴	۰/۷۰	۳۶	واحد و منحصر به فرد نبودن الگوی توسعه
۵	۰/۶۹	۳۵	سازگاری الگوی بومی با ارزش‌های جامعه
۶	۰/۶۳	۳۲	تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در پیشرفت
۷	۰/۶۱	۳۱	تطابق توسعه سیاسی غربی با ویژگی‌های جامعه غربی
۸	۰/۵۹	۳۰	ارائه مدلی واحد برای جهان اسلام
۹	۰/۴۹	۲۵	هم‌اندیشی نخبگان
۱۰	۰/۴۱	۲۱	خاص بودن انقلاب اسلامی ایران
۱۱	۰/۳۹	۲۰	ارائه الگویی اسلامی در برابر الگوی غربی



نمودار (۳) نمودار میله‌ای دلایل موافقان الگوهای بومی برای توسعه سیاسی در ایران

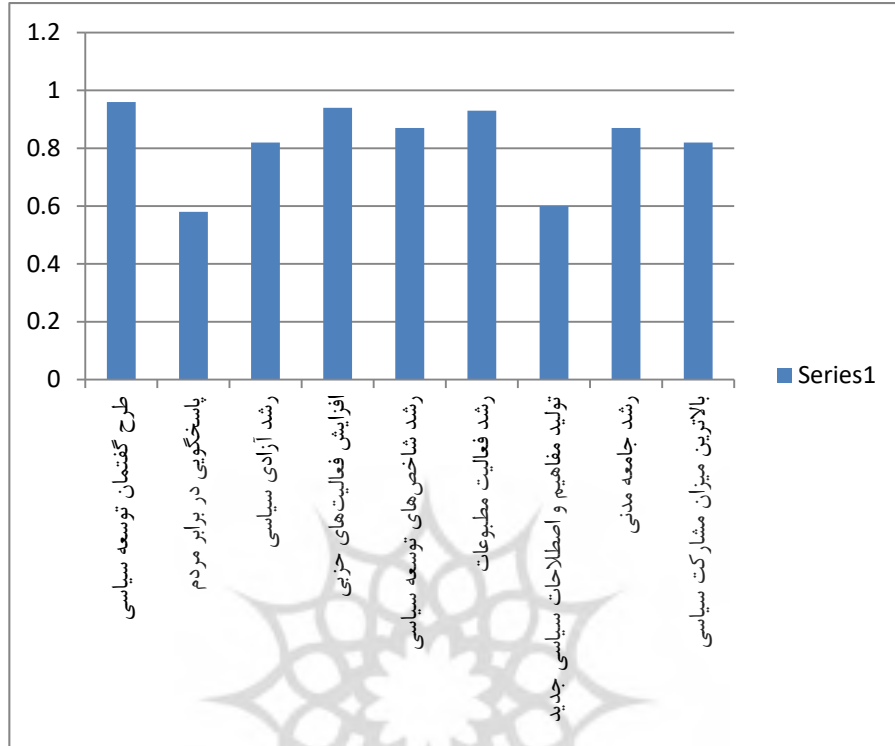
بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۴ و نمودار ۳؛ مشاهده می‌شود که مهم‌ترین دلایل موافقت افراد مورد مطالعه با به‌کارگیری الگوهای بومی برای توسعه سیاسی ایران مواردی نظیر توجه به معنویت در پیشرفت، ضرورت انسجام در تصمیم‌گیری‌ها و توسعه مردم‌سالاری دینی بودند. این در حالی است که کم‌اهمیت‌ترین دلایل موافقت افراد مورد مطالعه با به‌کارگیری الگوهای بومی برای توسعه سیاسی در ایران مواردی نظیر ارائه الگوی اسلامی در برابر الگوی غربی، خاص بودن انقلاب اسلامی ایران و هم‌اندیشی نخبگان بودند.

۲-۴. عملکرد کدام دوره از دولت‌های پس از انقلاب در زمینه توسعه سیاسی کشور مثبت بود و چرا؟

در پاسخ به این سؤال همه افراد مورد مطالعه اذعان داشتند که دولت اصلاحات به رهبری خاتمی موفق‌ترین دولت در زمینه توسعه سیاسی در کشور بوده است و برای این منظور دلایلی را ارائه داده‌اند که در جدول شماره ۶ و نمودار ۴ آورده شده‌اند.

جدول (۵) دلایل موافقت پاسخگویان با مثبت بودن دولت خاتمی در زمینه توسعه سیاسی کشور

اولویت	درصد	فراوانی	دلایل
۱	۰/۹۶	۶۹	طرح‌گفتمان توسعه سیاسی
۲	۰/۹۴	۶۸	افزایش فعالیت‌های حزبی
۳	۰/۹۳	۶۷	رشد فعالیت مطبوعات
۴	۰/۸۷	۶۳	رشد جامعه مدنی
۴	۰/۸۷	۶۳	رشد شاخص‌های توسعه سیاسی
۵	۰/۸۲	۵۹	بالاترین میزان مشارکت سیاسی
۵	۰/۸۲	۵۹	رشد آزادی سیاسی
۶	۶۰	۴۳	تولید مفاهیم و اصطلاحات سیاسی جدید
۷	۰/۵۸	۴۲	پاسخگویی در برابر مردم



نمودار (۴) نمودار میله‌ای دلایل موافقت پاسخگویان با مثبت بودن دولت خاتمی در زمینه توسعه سیاسی کشور

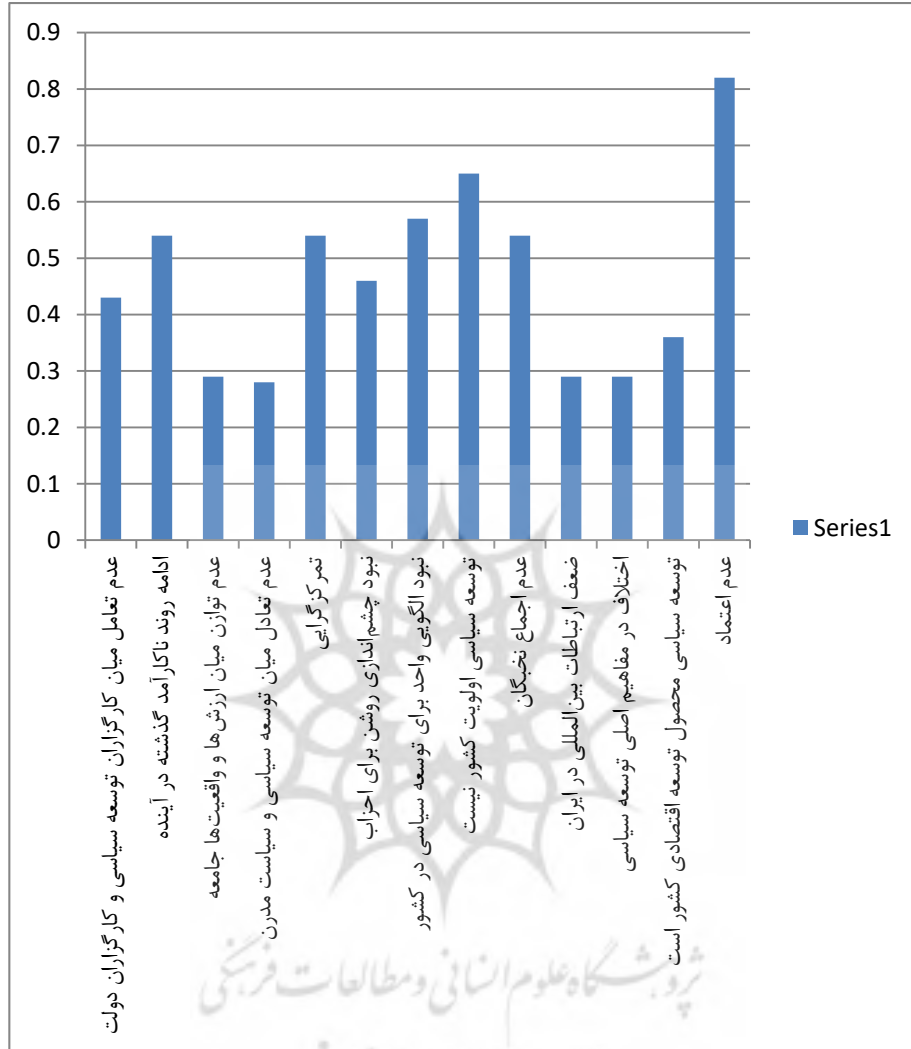
بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۵ و نمودار ۴؛ مشاهده می‌شود که از دیدگاه افراد مورد مطالعه مواردی نظیر طرح گفتمان توسعه سیاسی، افزایش فعالیت‌های حزبی و رشد فعالیت مطبوعات سیاسی مهم‌ترین دلایل موافقت آن‌ها با مثبت بودن دولت روحانی در زمینه توسعه سیاسی کشور بودند. این در حالی است که از دیدگاه افراد مورد مطالعه مواردی نظیر پاسخگویی در برابر مردم، تولید مفاهیم و اصطلاحات سیاسی جدید و بالاترین میزان مشارکت سیاسی مردم کم‌اهمیت‌ترین دلایل موافقت آن‌ها با مثبت بودن دولت خاتمی در زمینه توسعه سیاسی کشور بودند.

۲-۵ روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در آینده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ دلایل شما چیست؟

در پاسخ به سؤال فوق؛ اکثر صاحب‌نظران و شرکت‌کنندگان ضمن توجه به این مطلب که توسعه سیاسی یکی از ابعاد مهم توسعه در همه جوامع و خصوصاً در ایران است اظهار امیدواری کردند با استفاده از تجارب تاریخی سه دهه گذشته و رفع چالش‌های موجود بر سر راه توسعه سیاسی، این روند بتواند به شرایط مطلوب و موردنظر خود دست یابد. ضمن اینکه ایشان بر این باور بودند تا زمانی که اجماعی کلی به‌منظور عبور موفق از چالش‌ها صورت نگیرد نمی‌توان به آینده توسعه سیاسی در کشور امیدوار بود، لذا برای تأیید مطلب خود موارد زیر را ارائه دادند که در جدول شماره ۶ و نمودار ۵ ارائه شده‌اند.

جدول (۶) دلایل ناامیدی افراد مورد مطالعه از روند توسعه سیاسی کشور در آینده

اولویت	درصد	فراوانی	دلایل ناامیدی افراد
۱	۰/۸۲	۵۹	عدم اعتماد
۲	۰/۶۵	۴۷	توسعه سیاسی اولویت کشور نیست
۳	۰/۵۷	۴۱	نبود الگویی واحد برای توسعه سیاسی در کشور
۴	۰/۵۴	۳۹	ادامه روند ناکارآمد گذشته در آینده
۵	۰/۴۶	۳۳	نبود چشم‌اندازی روشن برای احزاب
۶	۰/۴۳	۳۱	عدم تعامل میان کارگزاران توسعه سیاسی و کارگزاران دولت
۷	۰/۳۶	۲۶	توسعه سیاسی محصول توسعه اقتصادی کشور است
۸	۰/۲۹	۲۱	عدم توازن میان ارزش‌ها و واقعیت‌ها جامعه
۸	۰/۲۹	۲۱	ضعف ارتباطات بین‌المللی در ایران
۸	۰/۲۹	۲۱	اختلاف در مفاهیم اصلی توسعه سیاسی
۹	۰/۲۸	۲۰	عدم تعادل میان توسعه سیاسی و سیاست مدرن



نمودار (۵) نمودار میله‌ای دلایل ناامیدی افراد مورد مطالعه از روند توسعه سیاسی کشور در آینده

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۶ و نمودار ۵؛ مشاهده می‌شود که مهم‌ترین دلایل ناامیدی افراد از روند توسعه سیاسی آینده کشور مواردی نظیر عدم اعتماد، توسعه سیاسی اولویت کشور نیست و نبود الگویی واحد برای توسعه سیاسی در کشور بودند. این در حالی است که کم‌اهمیت‌ترین دلایل ناامیدی افراد از روند توسعه سیاسی آینده کشور

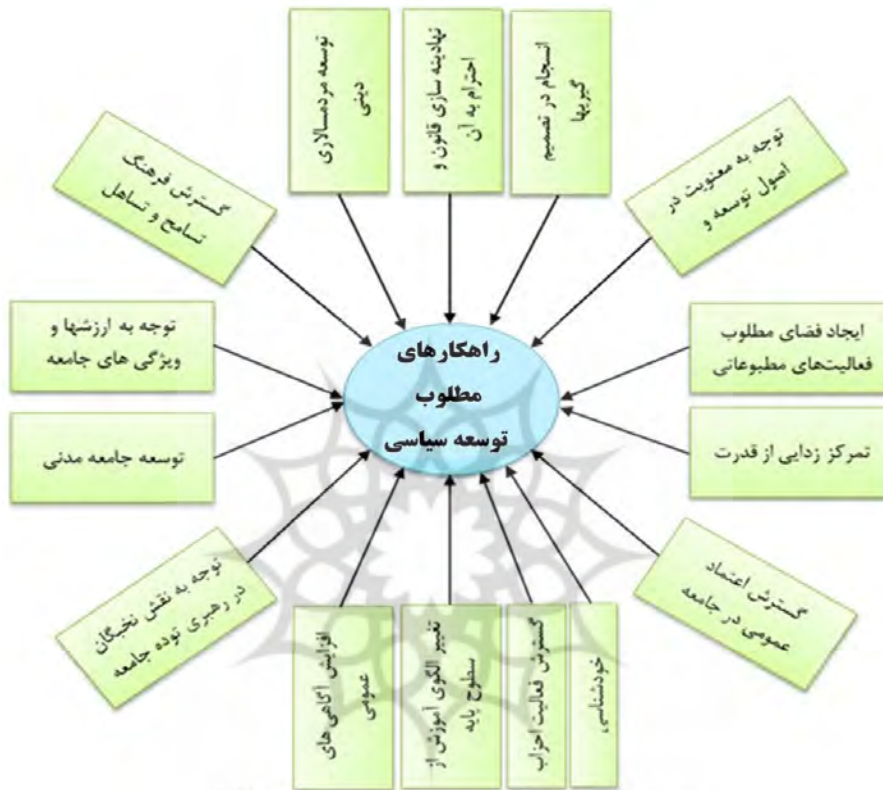
مواردی نظیر عدم تعادل میان توسعه سیاسی و سیاست مدرن، اختلاف در مفاهیم اصلی توسعه سیاسی، ضعف ارتباطات بین‌المللی در ایران و عدم توازن میان ارزش‌ها و واقعیت‌های جامعه بودند.

راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

در پایان این بخش و پس از بررسی و تحلیل محتوای داده‌ها و یافته‌های پژوهش موردنظر به ارائه راهبردهای مطلوب برای بهبود روند توسعه در کشور پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است که ارائه راهکارها بر اساس دیدگاه شرکت‌کنندگان در این پژوهش و کسب بالاترین درصد در میان سایر موارد بوده است و گزینه‌هایی که کمتر از پنجاه درصد را کسب نمودند موردتوجه قرار نگرفته است:

- به مبحث قانون و نهادینه‌سازی احترام به قانون توجه شود.
- در تصمیم‌گیری‌ها انسجام وجود داشته باشد.
- الگوی آموزش از سطوح پایه تغییر یابد.
- مردم‌سالاری دینی توسعه یابد.
- فعالیت احزاب سیاسی گسترش یابد.
- به ارزش‌ها و ویژگی‌های جامعه ایران توجه شود.
- معنویت در اصول توسعه و پیشرفت موردتوجه قرار گیرد.
- جامعه مدنی گسترش یابد.
- نقش نخبگان در رهبری توده جامعه عمیق‌تر شود.
- فضای مطلوب فعالیت‌های مطبوعاتی گسترده شود.
- تمرکززدایی از قدرت صورت گیرد.
- خودشناسی در جامعه تقویت گردد.
- افزایش آگاهی‌های عمومی گسترش یابد.

- اعتماد عمومی در جامعه گسترده شود.
- موارد یادشده در شکل ذیل به صورت نمودار معرفی می‌گردد:



نمودار (۷) راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی

در ادامه با استفاده از مصادیق شاخص‌های توسعه سیاسی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که در صفحات قبل به آن پرداخته شد، راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به صورت زیر ارائه می‌گردد، به این ترتیب که راهکارهایی که از تحلیل پاسخ‌های دریافت شده استخراج شده بر پایه مصادیق برآمده از الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت قرار می‌گیرد:

توجه به قانون و نهادینه شدن احترام به آن بر پایه

- مسئولیت‌پذیری

- پاسخگویی

- شفافیت

تغییر الگوی آموزش از سطوح پایه بر پایه

- عزت

- کرامت

- بصیرت

توسعه مردم‌سالاری دینی بر پایه

- خدمتگزاری

- قانون‌مداری

- پاسخگویی

- شفافیت

گسترش فعالیت احزاب سیاسی بر پایه

- مسئولیت‌پذیری

- مشورت

- بیعت

- حق انتخاب

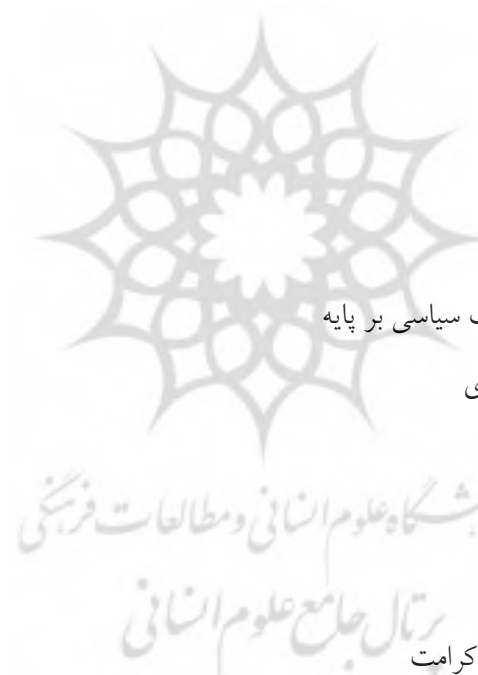
- حفظ عزت و کرامت

- خدمتگزاری

- بصیرت

گسترش جامعه مدنی بر پایه

- پاسخگویی



- مسئولیت پذیری
- بصیرت
- شفافیت

عمیق تر شدن نقش نخبگان بر پایه

- بصیرت
- مشورت
- اطاعت
- پاسخگویی

گسترش فضای مطبوعاتی بر پایه

- حق انتخاب
- مسئولیت پذیری
- خدمتگزاری
- قانون مداری

تمرکززدایی از قدرت بر پایه

- کارایی و اثربخشی
- قانون گرایی
- خدمتگزاری

خودشناسی بر پایه

- عزت
- بصیرت
- کرامت



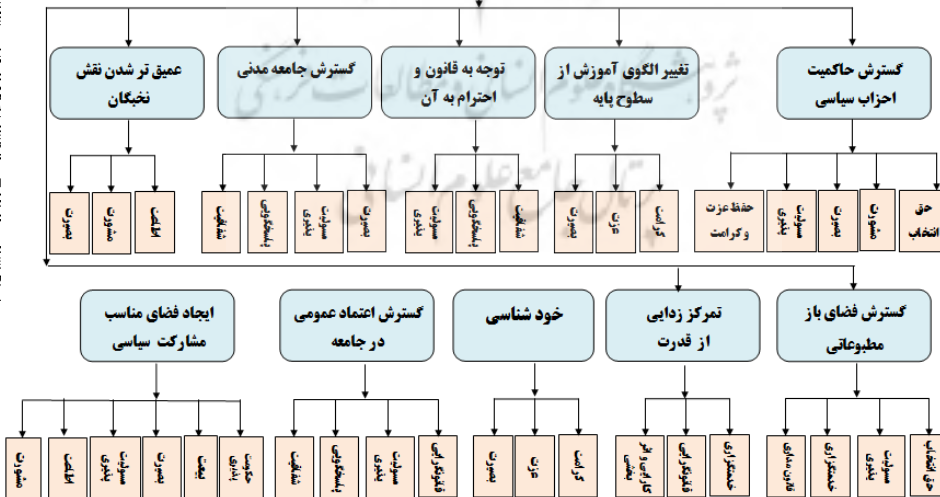
گسترش اعتماد عمومی در جامعه بر پایه

- پاسخگویی
- مسئولیت پذیری
- شفافیت
- قانون گرایی

ایجاد فضای مناسب مشارکت سیاسی بر پایه

- بصیرت
- مشورت
- بیعت
- اطاعت
- حکومت پذیری
- مسئولیت پذیری

راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی پیشرفت ایران پیشرفت



جمع‌بندی و پیشنهادها

در این پژوهش با توجه به اهمیت توسعه سیاسی در جامعه به‌عنوان یکی از پیش‌زمینه‌های دستیابی به توسعه همه‌جانبه در کشور و به‌منظور دستیابی به راهکارهای مطلوب توسعه سیاسی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، تعدادی از صاحب‌نظران، نخبگان و دانشجویان کشور موردسنجش قرار گرفتند.

بر اساس سؤالات مطرح‌شده ضمن بررسی مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی، مواردی نظیر قانون‌گریزی، ضعف جامعه مدنی، نبود نظام حزبی کارآمد و بی‌اعتمادی سیاسی مهم‌ترین چالش‌های توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی بودند.

مهم‌ترین راهکارهای لازم برای عبور موفق از چالش‌های توسعه سیاسی در ایران از دیدگاه افراد مورد مطالعه مواردی نظیر گسترش فعالیت احزاب سیاسی، نهادینه‌سازی ارزش قانون و احترام به آن، توسعه جامعه مدنی، غیرمتمرکز بودن قدرت، تغییر الگوی آموزش و نقش رهبری نخبگان بودند.

در ارزیابی مهم‌ترین دلایل موافقت افراد مورد مطالعه با به‌کارگیری الگوهای بومی برای توسعه سیاسی ایران مواردی نظیر توجه به معنویت در پیشرفت، ضرورت انسجام در تصمیم‌گیری‌ها و توسعه مردم‌سالاری دینی مورد توجه بودند.

پس از تجزیه و تحلیل پاسخ‌های صاحب‌نظران و افراد شرکت‌کننده در پژوهش راهکارهایی به‌منظور بهبود روند توسعه سیاسی در کشور ارائه گردید که مهم‌ترین آن‌ها توجه به قانون و نهادینه‌سازی احترام به قانون، انسجام در تصمیم‌گیری‌ها، تغییر الگوی آموزش از سطوح پایه، توسعه مردم‌سالاری دینی، گسترش فعالیت احزاب سیاسی، توجه به ارزش‌ها و ویژگی‌های جامعه ایران، توجه به معنویت در اصول توسعه و پیشرفت و گسترش جامعه مدنی می‌توان اشاره کرد. در انتها راهکارهای عنوان‌شده بر پایه مصادیق برآمده از الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت طراحی گردید. نکته قابل توجه در این طرح اهمیت توجه به عناصر عزت، کرامت، بصیرت، پاسخگویی، شفافیت، قانون‌مداری و مسئولیت‌پذیری است که در هر یک از شاخص‌های توسعه سیاسی می‌توان ردی از آن‌ها را یافت.

در پایان این پژوهش و بر اساس مطالب فوق، به‌منظور رسیدن به توسعه سیاسی مطلوب در کشور در قالب یک الگوی بومی و با توجه به اهمیت مرکز الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت

و نقش مهم آن در تدوین و طرح این مهم پیشنهادهایی ارائه می‌گردد که امید است بتواند راهگشای کشور در مسیر پرفرازونشیب توسعه سیاسی باشد:

- توجه بیشتر به نقش آموزش و پرورش در تربیت انسان‌های شایسته و اثرگذار و آشنایی دانش آموزان با اهداف مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی دانشجویان در مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به منظور ارائه الگوها و مدل‌های توسعه سیاسی.
- ایجاد بستر مناسب فرهنگی در کشور به منظور آشنایی بیشتر جامعه با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
- توجه بیشتر به علوم انسانی و ارائه راهکارهای مناسب به منظور افزایش نقش علوم انسانی در توسعه کشور.
- ایجاد فضای بیشتر به منظور هم‌اندیشی و تضارب آرا میان اساتید حوزه و دانشگاه.
- توجه ویژه به قانون اساسی به منظور ارائه الگوی مطلوب توسعه اسلامی - ایرانی.
- داشتن چشم‌اندازی جامع و بلندمدت بر اساس ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه.
- پرهیز از شعارزدگی و توجه به واقعیت‌های موجود جامعه (امکانات، محدودیت‌ها) و استفاده از تجارب گذشته به منظور رسیدن به الگویی جامع و مطلوب.
- برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، نقد و نظریه‌پردازی درباره الگوهای توسعه در دانشگاه‌ها.

امید است که نتایج این پژوهش بتواند گامی هرچند کوچک در زمینه طرح یک الگوی مناسب برای بهبود روند توسعه سیاسی در کشور باشد.

۱. اسحاقی، حسین (۱۳۸۴). آزادی در اسلام و غرب، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۲. امیدی، مهدی (۱۳۹۰). نسبت عدالت و پیشرفت با رویکرد به اندیشه اسلامی، *خرندنامه عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران: انتشارات همشهری.
۳. ایزدی فرد، علی‌اکبر، حسین نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۶). «فقه الکترونیک در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، *دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، سال ۵، شماره ۹.
۴. بایندر، لئونارد (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، چاپ ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
۵. پرزوسکی، آدام (۱۳۸۶). *مسائلی چند در گذار به دموکراسی: هانتینگتون، ساموئل و دیگران، گذار به دموکراسی (ملاحظات نظری و مفهومی)*، ترجمه محمدعلی کدیور، تهران: گام نو.
۶. حسنی، محمد (۱۳۷۸). *نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی (رحمه‌الله علیه)*، تهران: نشر عروج.
۷. حصیرچی، عباس، نیاوند، امیر (۱۳۹۰). «تحلیل الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی از منظر مقام معظم رهبری»، *مطالعات راهبرد بسیج*، شماره ۵۰.
۸. خلوصی، محمدحسین (۱۳۹۱). *دو فصلنامه معرفت سیاسی*، سال ۴، شماره ۲. (عنوان مقاله؟)
۹. خسرو پناه، عبدالحسین و بانسی، عبدالله (۱۳۹۲). «تأملی بر مبانی نظریه‌پردازی غرب و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ضرورت آن در حوزه رهبری سازمانی»، *مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۱۰. خرم روز، علیرضا (۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی پیاده‌سازی الگوی توسعه سیاسی غربی در ایران»، کتاب مجموعه مقالات سومین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دبیرخانه همایش.
۱۱. خوش‌چهره، محمد و نیک‌بخش حبیب (۱۳۹۰). «اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۲۰.
۱۲. رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: چاپ سلمان.
۱۳. رضایی، علیرضا (۱۳۸۹). «شاخص‌های توسعه سیاسی از منظر اسلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و امام خمینی (قدس سره)»، نشریه معرفت سیاسی، سال دوم، شماره ۱.
۱۴. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴). *عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۵. سیاح، احمد (۱۳۷۸). *فرهنگ بزرگ جامع عربی فارسی (۲ جلدی)*، تهران: انتشارات اسلام.
۱۶. سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۸). *پانزده مدل نوسازی، توسعه و دگرگونی سیاسی*، تهران: نشر قومس.
۱۷. شفیعی‌فر، محمد (۱۳۹۴). *روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۱.
۱۸. عابدی اردکانی، محمد (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی مکتب توسعه سیاسی و ارائه الگوی جایگزین*، مجموعه مقالات سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دبیرخانه همایش، جلد چهارم، تهران: ناشر الگوی پیشرفت.
۱۹. عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۰). *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.

۲۰. عبداللهی، محمد، راد، فیروز (۱۳۸۸). «بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران ۱۳۸۲-۱۳۰۴»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۱.
۲۱. عرب، مهدی (۱۳۹۰). عدالت و پیشرفت در اندیشه اسلامی، خردنامه عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات همشهری.
۲۲. علاسوند، فریبا (۱۳۸۹). «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ضرورت‌ها و موانع»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
۲۳. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۱). چالش‌های توسعه سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
۲۴. لاریجانی، علی، ابرستان، غلامرضا (۱۳۹۰). «رابطه اقتدار و مشروعیت در نظام سیاسی اسلام»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۶.
۲۵. مشکات، محمد (۱۳۹۰). ضرورت تأملی در مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مجموعه مقالات نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی (الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)، تهران: انتشارات پیام عدالت.
۲۶. مرنودی، محمدرضا (۱۳۷۶). مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اسلام، تهران: مؤسسه انتشاراتی عطا.
۲۷. مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۹). «گامی به سوی تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
۲۸. معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر ندا.
۲۹. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۳۰. میرمعزی، سید حسین (۱۳۹۲). «مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدر، شماره ۱۰.
۳۱. واینر، مایرون و هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹). *درک توسعه سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۲. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۹۰). *کارآمدی و عدالت در نظام اسلامی*، خردنامه عدالت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: انتشارات همشهری.
۳۳. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۲). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
۳۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت (۱۳۸۹/۹/۱۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی